

نگاهی به فرهنگ جامع زبان فارسی

نقد و بررسی کتاب

نیره خداداد شهری

صادقی، علی اشرف؛ فرهنگ جامع زبان فارسی؛ تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲. جلد اول (حرف آ)

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیبویی دانشگاه الزهراء

فرهنگ‌ها از جمله مهم‌ترین منابع مرجع هستند که واژگان یک یا چند زبان با نظمی خاص در آن گرد آمده باشد. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی فرهنگ جامع زبان فارسی همت گماشته است. وی در راستای این هدف، ابتدا نویسنده و ناشر اثر را معرفی کرده و سپس، اطلاعات دیگری از جمله: امتیازات اثر را که نویسنده در پیشگفتار کتاب مورد اشاره قرار داده، شیوه تدوین پیکره متن و دلایل منحصر بفرد بودن و جامعیت فرهنگ مذکور را بر می‌شمارد. در نهایت، با ذکر برخی اشکالات کتاب، نوشتار را به پایان می‌رساند.

فرهنگ در لغت به معنی علم و فضل و دانش و عقل و ادب است. کتابی که مشتمل بر لغات فارسی باشد فرهنگنامه یا لغت‌نامه گویند؛ کتابی که واژگان یک یا چند زبان با نظمی خاص در آن گرد آمده باشد. فرهنگ بازتابی نوین و تصویری زنده از زبان ارائه می‌کند.

فرهنگ‌ها از لحاظ زبانی به سه دسته یک زبانه، دو زبانه و بیشتر و از لحاظ موضوعی به دو دسته فرهنگ عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند. فرهنگ فرس اسدی تألیف ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی، قدیمی‌ترین فرهنگ فارسی موجود متکی بر شواهد شعری است. فرهنگ دهخدا و معین نیز از جمله مهم‌ترین فرهنگ‌های یک زبانه در زبان فارسی هستند.

دلیل اصلی تألیف فرهنگ در زبان‌های مختلف شاید از تعریفی که فردیناد دو سوسور با الهام از نظریات دورکیم از زبان ارائه می‌دهد نهفته باشد. سوسور عنوان می‌گوید: «زبان یک نهاد اجتماعی است. بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد یکدیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را برقرار کرده‌اند. زبان نه

چکیده: فرهنگ‌ها از جمله مهم‌ترین منابع مرجع هستند که واژگان یک یا چند زبان با نظمی خاص در آن گرد آمده باشد. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی فرهنگ جامع زبان فارسی همت گماشته است. وی در راستای این هدف، ابتدا نویسنده و ناشر اثر را معرفی کرده و سپس، اطلاعات دیگری از جمله: امتیازات اثر را که نویسنده در پیشگفتار کتاب مورد اشاره قرار داده، شیوه تدوین پیکره متن و دلایل منحصر بفرد بودن و جامعیت فرهنگ مذکور را بر می‌شمارد. در نهایت، با ذکر برخی اشکالات کتاب، نوشتار را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: فرهنگ جامع زبان فارسی، معرفی کتاب.

اشاره

بنیان هر علم بر منابع مرجع استوار است. هر علمی منابع تحقیقی ویژه‌ای دارد که ابزار کار پژوهشگران و عصای دست کتابداران است.

مرجع در لغت به معنی جای بازگشت یا محل رجوع است. منبع مرجع عبارت است از کتاب یا دیگر مواد کتابخانه‌ای که تنها برای یافتن اطلاعات معین و محدودی تهیه و تنظیم شده است نه برای خواندن تمام کتاب؛ مثل فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها، کتابشناسی‌ها، سالنامه‌ها. منابع مرجع از جمله منابع دسته اولی هستند که محقق در گام اول مطالعه برای پژوهش خود، نیاز به مراجعه به این‌گونه منابع دارد.

مدرک دکتری گرفت و به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران رفت و تا کسب رتبه استادی پیش رفت و سرانجام در آغاز سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ به درخواست خود بازنشسته شد؛ زیرا می‌خواست تمام همت خود را صرف تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی کند.

در کارنامه علمی ایشان تألیفات بسیاری در حوزه زبان فارسی، زبان‌شناسی و... به چشم می‌خورد که در ادامه عناوین مرتبط و مهم برای نمونه ذکر می‌شود.

کتاب‌ها

■ دستور زبان فارسی (با همکاری غلامرضا ارژنگ)؛ کتاب درسی سال دوم، سوم و چهارم دبیرستان، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۸.

■ مسائل تاریخی زبان فارسی؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.

■ تصحیح لغت فرس اسدی؛ با همکاری دکتر فتح‌الله مجتبیانی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۵.

■ نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی؛ تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۹).

■ تصحیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار؛ منسوب به قطران، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.

■ فارسی قمی، تهران: باورداران، ۱۳۸۰.

■ زبانهای ایرانی، یوسیف میخائیلوویچ ارانسکی، علی اشرف صادقی (مترجم)، تهران: سخن، ۱۳۷۸.

■ فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، علی اشرف صادقی، زهرا زندی مقدم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقالات

برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی، اشتقاق صفت فاعلی (اسم فاعل) از بن ماضی، درباره ترکیبات «ال» دار عربی در فارسی، خصوصیات زبانی تفسیر قرآن پاک، نظریه زبان‌شناسی آندره مارتینه و زبان فارسی، بحثی درباره فرهنگ عربی به فارسی «المرقاة» و مؤلف آن، شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۲ مقاله)، زبان معیار، تحول خوشه‌ی صامت آغازی در زبان فارسی، زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن، زبان‌شناسی؛ منشأ واژگان معیار ادبی معاصر فارسی، تحول کلمات فارسی در دوره اسلامی.

تنها مهمترین وسیله ارتباطی بشر است، بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز هست. زبان دارای دو صورت یا دو نمود ملفوظ و مکتوب است. تحول یک زبان همراه و هماهنگ با دگرگونی و تحولات نیازهای جامعه‌ای است که از آن زبان به عنوان وسیله ارتباطی خود استفاده می‌کند و تحول نیازهای هر جامعه منوط است به تحولات معنوی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن. در این میان واژگان یک زبان بیش از هر چیز می‌توانند بازتاب دگرگونی‌های اجتماعی باشند.

به عبارت دیگر، زبان پدیده‌ای است پویا. تحول می‌پذیرد و سطوح گوناگون آن دگرگون می‌شود. فرهنگ زبان نیز نباید از این تغییر و تحول دور بماند، بلکه می‌باید آینه تمام‌نمای آن باشد و لازم است فرهنگ‌های پیشین بازبینی، تکمیل و پربارتر شود تا به صورت روزآمد در اختیار قرار گیرد. بهترین سپاس و تقدیر از فرهنگ‌نویسان پیشین که گواه همت، زحمت و خدمتشان گنجینه‌هایی است که به یادگار گذاشته‌اند، ادامه راهشان است و نه تکرار کارشان.

هر کس که با زبان فارسی سروکار دارد، به مجموعه‌ای نیازمند است که کلمات بسیاری از زبان فارسی را در برداشته باشد و اطلاعات لازم را برای مهار کردن واژگان در اختیار او بگذارد. فارسی یکی از بزرگ‌ترین زبان‌های ایرانی است که امروز بدان تکلم و کتابت می‌شود. در میان زبان‌های متعدد ایرانی، فارسی یگانه زبانی است که در قاره آسیا به مقام و نفوذی دست یافته است که هیچ یک از زبان‌های دیگر ایرانی بدان نرسیده است.

اکنون به معرفی فرهنگ جامع زبان فارسی می‌پردازیم که اولین فرهنگی است که در هفتاد سال اخیر و پس از لغت‌نامه دهخدا تألیف شده است.

معرفی نویسنده

در نگارش یک فرهنگ، افرادی زیادی دخیل هستند، در صفحات پایانی فرهنگ اسامی بیش از ۳۵۰ نفر که در تألیف جلد اول کتاب فرهنگ جامع زبان فارسی همکاری داشته‌اند، فهرست شده است. با این حال اثر حاضر زیر نظر دکتر علی اشرف صادقی منتشر شده است.

علی اشرف صادقی، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰ در قم متولد شد. زبان‌شناس ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (مدیر گروه فرهنگ‌نویسی) است. او همچنین چهره ماندگار در حوزه ادبیات است.

صادقی در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در قم، در سال ۱۳۳۸ به دانشگاه تهران رفت. در سال ۱۳۴۱ لیسانس ادبیات فارسی گرفت. وی در ۱۳۴۲ به دانشگاه سوربن فرانسه رفت و در آنجا رشته زبان‌شناسی عمومی را ادامه داد و در سال ۱۳۴۶

معرفی اثر

فرهنگ جامع زبان فارسی طرحی است که از قریب سی سال پیش با حمایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و زیر نظر علی اشرف صادقی آغاز شده و هم اکنون جلد نخست آن منتشر شده است.

سرسخن کتاب از سوی غلامعلی حداد عادل، ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نگارش درآمده است. حداد عادل ضرورت نگارش چنین اثری را پویایی زبان معرفی می‌کند و عنوان می‌کند روزآمدی فرهنگ‌های موجود به دلیل تحول علم زبانشناسی و فرهنگ‌نویسی، امکان‌پذیر نبوده و تألیف فرهنگی جدید با استفاده از فناوری‌ها و دیدگاه‌های جدید در حوزه فرهنگ‌نویسی اجتناب‌ناپذیر بوده است.

علی اشرف صادقی در پیشگفتار ویژگی‌ها و امتیازات این فرهنگ را چنین برشمرده است:

۱. مبتنی بودن آن بر یک پیکره عظیم کامپیوتری.
۲. جامعیت آن. این فرهنگ تمام ادوار زبان فارسی را پوشش می‌دهد.
۳. تاریخی بودن آن.
۴. دربرداشتن ریشه‌شناسی.
۵. دربرداشتن لغات علمی امروز همراه با تعریف موجز و دقیق آنها.
۶. دربرداشتن مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۷. کاربردمدار بودن آن

سپس راهنمای استفاده از فرهنگ در بیش از پنجاه صفحه به صورت مبسوط برای کاربران توضیح داده شده است که علاوه بر راهنمای استفاده، مباحثی درباره مدخل‌گزینی، گستره کار و... نیز ارائه می‌دهد.

پیکره مهم‌ترین رکن در تدوین یک فرهنگ عمومی جامع یک‌زبانه محسوب می‌شود. عناصر تشکیل‌دهنده پیکره رایانه‌ای واحدهای واژگانی در این فرهنگ عبارتند از: منابع نوشتاری (از کهن‌ترین نوشته‌ها تا الان)، منابع گفتاری و منابع حاصل از پژوهش‌های میدانی.

شیوه مدخل‌گزینی، آوانگاری^۱ (تلفظ تمام مدخل‌های اصلی فرهنگ به خط آوانگار ضبط شده‌اند)، هویت دستوری، اطلاعات املایی، اطلاعات تصریفی، اطلاعات ریشه‌شناختی، اطلاعات تاریخی، اطلاعات سبکی شامل رسمی، خودمانی، عامیانه، عوامانه، مستهجن و...، اطلاعات بلاغی شامل واژه‌های بسیط و مشتق، واژه‌های مرکب، ترکیبات نحوی و...، اطلاعات حوزه علمی و حوزه پیشه و صنعت، ارجاعات، شاهد،^۲ ریشه‌شناسی و... از جمله مواردی هستند که در راهنمای استفاده از فرهنگ درباره آن صحبت شده است.

۱. نشان دادن تلفظ یک واحد واژگانی با نشانه‌های قراردادی خاص.

۲. جمله عبارت یا گروهی نحوی است که از یک بافت زبانی از پیش موجود مکتوب انتخاب شده است و دربردارنده واحدی واژگانی است که در فرهنگ ما مدخل شده است

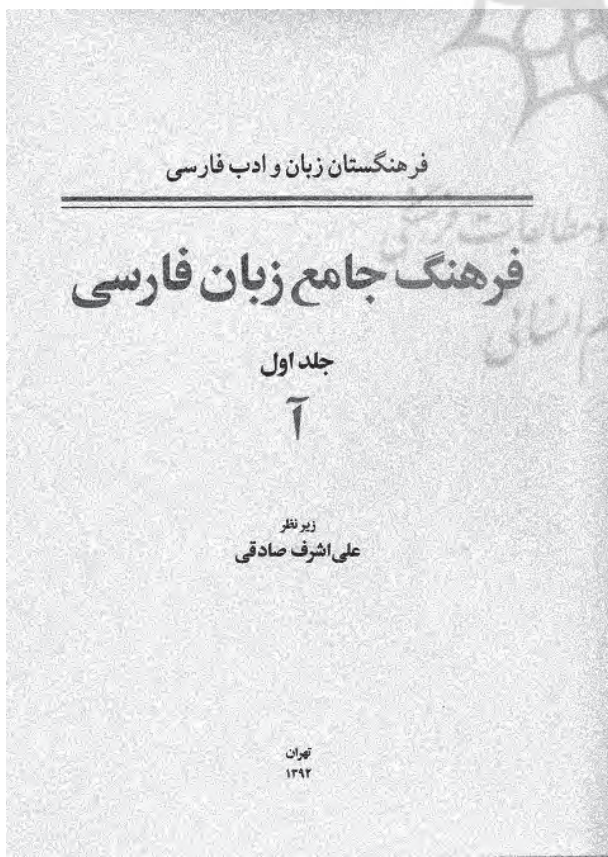
سپس حدود صد صفحه کتابنامه‌ها (کتاب‌ها و منابعی که در امر مدخل‌گزینی استفاده شده است) آورده شده است و در چند صفحه نیز اطلاعاتی از قبیل نشانه‌های بخش ریشه‌شناسی، نشانه‌های بخش تخصصی و جدول علائم آوانگاری ارائه شده است.

فرهنگ در بسیاری از مدخل‌ها دارای تصویر است تا به فهم بهتر و راحت‌تر کمک کند. مطالب کتاب مانند اکثر فرهنگ‌ها و مراجع در دو ستون ارائه شده و اندازه فونت‌ها و برجسته بودن کلمات سرشناسه به بازیابی بهتر کمک می‌کند.

درباره اثر

فرهنگ جامع زبان فارسی بی‌شک اثر ارزشمندی است. شاید در مواجهه با این اثر، اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این باشد که با وجود فرهنگ‌هایی چون معین و دهخدا چه نیازی به صرف هزینه، نیرو و انرژی کلان برای تألیف چنین اثری است؟

در هفتاد سالی که از تألیف لغت‌نامه دهخدا می‌گذرد، بر اثر توسعه و تحول دانش زبان‌شناسی و توسعه تحقیقات ادبی و زبانی، دانش فرهنگ‌نویسی به صورت علم مستقلی درآمده و پیشرفت و تحول پیدا کرده است، به گونه‌ای که در بعضی از کشورها یک رشته تخصصی دانشگاهی شده است.



فرهنگ‌نگاران در آن سازمان همچنان کار را ادامه می‌دهند و در سال‌های بعد آن فرهنگ را کامل‌تر و روزآمدتر ارائه می‌کنند. در حال حاضر لغت‌نامه دهخدا لغت‌نامه کاملی برای زبان فارسی محسوب نمی‌شود. مهم‌ترین مسئله این است که اکنون شیوه‌های نوین فرهنگی نویسی مطرح شده‌اند و اصلاً شیوه فرهنگی نویسی عوض شده است. امروز فرهنگ‌نویسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است و فرهنگ‌های معتبر بر مبنای دانش زبان‌شناسی و به ویژه معنی‌شناسی تألیف می‌شوند. یکی از اشکالات عمده‌ای که در کار لغت‌نامه دهخداست، این است که شیوه واحدی در انتخاب مدخل‌ها، تعریف‌نگاری‌ها و شواهد وجود ندارد.

در این فرهنگ شیوه‌نامه تمام نکات مربوط به ساختار مدخل‌ها، نحوه ضبط و درج آنها در فرهنگ، نحوه درج زیرمدخل‌ها، شیوه به‌دست‌دادن تعریف یا معانی، دسته‌بندی معانی، ارجاع‌های متقابل، آوردن گونه‌های مختلف و املاهای دیگر مدخل‌ها، اطلاعات تکمیلی و اضافی، ریشه‌شناسی و اشاره به صورت‌های واژه در زبان‌های میانه و باستانی ایران تا هند و اروپایی مادر و اشاره به آن دسته از زبان‌های ایرانی که مستقیماً به زبان فارسی ارتباط ندارند و نیز

اشاره به گویش‌های ایرانی جدید و جز آنها پیش‌بینی شده است.

جلد اول این فرهنگ در بیش از ۱۲۰۰ صفحه توسط تیمی کامل و متخصص ارائه شده است. ارزیابی و اظهار نظر در مورد اثر کار بسیار مشکلی است. البته بازگویی بعضی موارد نه تنها از غنا و ارزش فرهنگ نمی‌کاهد، بلکه راهی است برای رفع اشکالات در مجلدات بعدی. در ادامه به ذکر چند مورد از اشکالات که در فرهنگ به چشم می‌خورد، می‌پردازیم.

یکی از اشکالات این فرهنگ پیچیده بودن نظام تفکیک معنایی است؛ یعنی تفکیک معانی در دو یا سه رده صورت گرفته است. نخست معانی را بر اساس هویت دستوری جدا کرده‌اند. سپس در هر هویت دستوری معانی مختلف ذکر شده که گاهی یک تفکیک معنایی، باز با «الف» و «ب» به معانی کوچک‌تری تقسیم شده است. این کار علاوه بر گیج‌کردن کاربریک ایراد دیگر هم دارد و آن جداافتادن تفکیک‌های معنایی مرتبط است که هویت‌های دستوری متفاوتی

از سوی دیگر فهرست انتشاراتی کشورهای خارجی به طور میانگین نشانگر انتشار یک فرهنگ جدید در هر فصل به زبان انگلیسی از ناشران مختلف است. این فراوانی فرهنگ‌نویسی نشانه زنده بودن این زبان است. پس چرا در زبان فارسی خبری نیست؟! لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین و فرهنگ بزرگ سخن هر کدام حداقل سی سال با یکدیگر فاصله دارند. افزون بر این، فرهنگ معین و سخن هیچ کدام ادعای جامع بودن ندارند. در این سال‌ها تحولات بسیاری در فقه‌اللغه، ریشه‌شناسی، واژه‌شناسی، واژه‌گزینی و زبان‌شناسی پیش آمده و لغات تازه‌ای نیز به زبان افزوده شده است.

بدون شک معتبرترین و مهم‌ترین فرهنگی که تاکنون نوشته شده، لغت‌نامه دهخداست؛ اما روا نیست در یک کشور هفتاد سال بگذرد و فرهنگ جامع دیگری تألیف نشود.

کتاب حاضر بشارت‌دهنده یک فرهنگ ۲۵ و شاید ۳۰ جلدی در زبان فارسی است. بدون اغراق تاکنون در زبان فارسی فرهنگی با این همه انضباط علمی و جامعیت تألیف نشده است. از جمله مواردی که این فرهنگ و جامعیت آن را منحصر به فرد می‌کند عبارتند از:

۱. فقط حرف «آ» در حدود ۱۲۰۰-۱۳۰۰ صفحه شده است.
۲. ریشه‌شناسی لغات در آن ارائه شده و همچنین شواهدی از قرن‌های مختلف برای هر لغت ذکر شده است.
۳. از ویژگی‌های خاص این فرهنگ: برای لغت «آتش» و ترکیبات آن توضیحاتی در حدود ۲۵۰ صفحه آمده است.
۴. این فرهنگ یک فرهنگ تاریخی است. به این معنا که از آغاز شروع ادبیات فارسی، شواهد استخراج شده است.
۵. معنی واژه‌ها به ترتیب تاریخ ارائه شده است که با مرور آن، سیر تحول معنای واژه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی مشخص می‌شود و استفاده‌کننده به راحتی و بدون مرور منابع فراوان با مراجعه به فرهنگ جامع از آن بهره می‌برد.

فرهنگ به واقع شایستگی عنوان جامع را دارد و اولین فرهنگی است که طور علمی و با پیکره‌ای وسیع در ایران به وجود آمده است. وقتی یک مدخل را در فرهنگ باز می‌کنید، در وهله اول یک مدخل می‌بینید، بعد آوانگاری و بعد ریشه آن و بعد هم هویت‌های دستوری. در نهایت هم کدهای دیگر، مانند مجاز یا حوزه‌های شخصی. در تألیف این فرهنگ از شیوه‌های نوین فرهنگ‌نویسی استفاده شده است.

در کشورهای پیشرفته وقتی فرهنگ معتبری تألیف شد و به چاپ رسید، پس از چاپ آن، سازمان متصدی کار تعطیل نمی‌شود، بلکه

مورد آخر اینکه در شاهد مثال‌ها، منابع هر شاهد مثال به صورت دقیق ذکر شده، ولی منبعی که به صورت مکرر تکرار شده «اینترنت» است. واژه اینترنت برای منبع شاهد مثال جالب نیست. میلیاردها سایت اینترنتی موجود است که هرچند جزء منابع مکتوب و فرهنگ نوشتاری جامعه محسوب می‌شوند، ولی بسیاری از آنها اعتبار کافی برای استناد ندارند. اگر آدرس سایت یا حداقل نام سایت ذکر می‌شد، برای استناد بسیار مناسب‌تر بود تا کاربرد صرف کلمه اینترنت.

پیشنهادات

در یک ارزیابی کلی اثری بسیار وزین و قابل توجه ارائه شده که در مقام پیشنهاد شاید تنها بتوان گفت که انتظار می‌رود با توجه به پیشرفت فناوری، فرهنگ به صورت الکترونیکی و همچنین آنلاین عرضه شود تا استفاده از آن بسیار راحت‌تر انجام شود. همچنین به آسانی بتوان کارهای مربوط به روزآمدسازی آن را انجام داد.

با امید به اینکه مجلدات بعدی هرچه سریع‌تر منتشر شود و در اختیار جامعه فارسی‌زبان دنیا قرار گیرد.

دارند؛ مثلاً در مدخل «آبی» معنی «یک. ۷» چنین است: «دارای رنگی شبیه رنگ آسمان بدون ابر در هنگام روز» و بعد در تفکیک «دو. ۵» آمده: «یکی از سه رنگ اصلی شبیه رنگ آسمان بدون ابر در هنگام روز». در حالی که این دو تفکیک باید پشت سر هم می‌آمدند.

مورد بعدی، کلمات جمع و مفرد است که قاعده‌تاً باید یکی انتخاب شود و از دیگری به واژه مرجع ارجاع داده شود؛ اما در این فرهنگ مشاهده می‌شود کلماتی مانند: آفات و آفت، آلت و آلات و ... هر دو صورت دارای مدخل جداگانه هستند و شاهد مثال و تعاریف خود را دارند. البته ارجاع بین دو کلمه برقرار شده است.

مورد دیگر، صورت‌های نوشتاری مختلف کلمه است؛ مثل آلبالو، آلیبالی و آلوبالی؛ آغوش و آگوش؛ آبجی و آباجی؛ آزوغه، آزوقه و آذوقه و ... که مشکل فوق دوباره تکرار شده است؛ یعنی در عین برقراری ارجاع بین صورت‌های مختلف کلمه، برای هر کدام شاهد مثال‌ها و تعاریف مخصوص به خود را آورده است.

اصولاً در فرهنگ‌ها دیده می‌شود کلمه‌ای که مورد نظر است و برای آن در متون مختلف شاهد می‌آورند، در شاهد‌ها به شکل متفاوتی نوشته شده است. (حتی در جستجوهای اینترنتی نیز مشاهده می‌شود که کلمه‌های لایت و ... می‌شود) یا از علائمی برای عدم تکرار کلمه استفاده می‌شود؛ ولی در این فرهنگ چنین موردی رعایت نشده است. کتاب حاضر فاقد فهرستی است که بتوان سریع با تورق چند صفحه کلمه مورد نظر را یافت.

برخی کلمات بیگانه که دارای معادل هستند، به عنوان مدخل در نظر گرفته شده و هم کلمه و هم معادل فارسی آن، دارای تعریف یکسانی هستند و ارجاع متقابل بین کلمات برقرار شده است. در حالی که بهتر بود یکی به دیگری ارجاع داده می‌شد و یک واژه، واژه مرجع معرفی می‌شد؛ مثل آسانسور و آسان‌بر.

بعضی واژه‌ها فاقد تعریف هستند، در حالی که به نظر می‌رسد ارائه معنای آن مورد نیاز است؛ مانند واژه آسانسیه.

واژه آفیس (به معنی دفتر کار)، آماتور، آسیستان (به معنی دستیار) و ... واژه مصطلح و پذیرفته شده در فرهنگ معرفی شده‌اند، در حالی که با توجه به رسالت و اهداف فرهنگستان بهتر بود این واژه‌ها با ارائه معادل واژه‌ای بیگانه و غیرفارسی معرفی می‌شدند.

در بعضی مدخل‌ها از شکل اختصار واژه استفاده شده است؛ مثل آسه آن = اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا که در اکثر فرهنگ‌ها، شکل کامل واژه ارائه می‌شود و شکل کوتاه شده به شکل کامل واژه ارجاع می‌شود.